

بررسی نقش و عملکرد تشکلهای مردم‌نهاد در دوره جنگ ۱۲ روزه



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۲۰۸۹۲
کد موضوعی: ۲۱۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۴/۵/۱۹

عنوان گزارش:

بررسی نقش و عملکرد تشکل‌های مردم‌نهاد در دوره جنگ ۱۲ روزه

نوع گزارش:

☐ طرح و لایحه ☐، نظارتی ☒، راهبردی ☐، پیش‌نویس قانونی ☐

نام دفتر:

مطالعات اجتماعی (گروه توسعه تعاون، مشارکت‌های مردمی و سرمایه اجتماعی)

تهیه و تدوین:

حسام عزت‌آبادی‌پور

مدیر مطالعه:

محمدتقی ضرغام افشار

ناظران علمی:

هادی افراسیابی، محمدرضا مالکی

ویراستار ادبی:

زهرة عطاردی

گرافیک و صفحه‌آرایی:

محمد دهقانی شهبابی

واژه‌های کلیدی:

۱. تشکل‌های مردم‌نهاد
۲. جنگ ۱۲ روزه
۳. انسجام ملی
۴. شبکه‌سازی

تاریخ شروع مطالعه: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰



فهرست مطالب

۶	چکیده.....
۷	خلاصه مدیریتی.....
۸	۱. مقدمه.....
۹	۲. اقدامات نهادهای مردمی در طول جنگ ۱۲ روزه.....
۱۰	۳. فرصت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی الهام‌بخش در طول جنگ ۱۲ روزه.....
۱۲	۴. الزامات و تمهیدات لازم برای احیای مشارکت نهادمند مردمی.....
۱۴	۷. جمع‌بندی و پیشنهادها.....
۱۶	منابع و مآخذ.....



بررسی نقش و عملکرد تشکل‌های مردم‌نهاد در دوره جنگ ۱۲ روزه

چکیده



فوق، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، چالش‌هایی که در مسیر فعالیت مؤثر تشکل‌های مردم‌نهاد وجود دارد را نیز تا حدی عیان کرد؛ چالش‌هایی همچون ضعف ساختاری این تشکل‌ها، اختلال در شبکه‌سازی، عدم مدیریت بهینه تفاوت‌های فرهنگی و... بر این اساس، برای بهره‌برداری بهتر از ظرفیت‌های فوق و سامان دادن به چالش‌های برشمرده، دولت باید رویکردی مشارکتی اتخاذ کرده، نقش کارگردان هوشمند را ایفا کند و زمینه تعامل سازنده با تشکل‌ها را فراهم آورد. همچنین ایجاد بستر قانونی برای فعالیت تشکل‌ها، نهادینه‌سازی آموزش، تسهیل مسیر شبکه‌سازی تشکل‌ها، حضور در تصمیم‌گیری‌ها و تقویت روایتگری بین‌المللی از الزامات توسعه مشارکت اجتماعی است که باید مطمئن نظر سیاستگذاران قرار گیرد. تجارب این دوره، می‌تواند الگویی ماندگار برای مواجهه با بحران‌های آینده باشد.

در جنگ ۱۲ روزه اخیر، تشکل‌های مردم‌نهاد نقش برجسته‌ای در مقابله با بحران ایفا کردند. در این ایام تشکل‌های اجتماعی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی پا به عرصه گذاشتند و کمک قابل توجهی به مدیریت بحران کردند. نهادهایی همچون هلال احمر، خیریه‌ها، هیئت‌های مذهبی و گروه‌های جهادی با اقدامات گسترده‌ای؛ از جمله حمایت از اقشار آسیب‌پذیر، مدیریت روانی جامعه، تأمین نیازهای معیشتی، حفظ امنیت محلی و روایتگری جنایات دشمن به مقابله با پیامدهای جنگ پرداختند و بسیاری از برنامه‌های رژیم صهیونی در جنگ شناختی را ناکام گذاردند. این همبستگی اجتماعی بی‌سابقه، فرصتی تاریخی به‌منظور تقویت انسجام ملی، ظرفیت‌سازی برای دیپلماسی مردمی بوده است و می‌تواند الهام‌بخش سیاستگذاران برای طراحی الگوی مردم‌پایه به‌منظور مدیریت بحران باشد. با وجود فرصت‌های

بیان/شرح مسئله

مسئله اصلی این پژوهش بررسی نقش و عملکرد تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران جنگ ۱۲ روزه در ایران و بررسی فرصت‌ها و چالش‌های مدیریت مردم‌پایه بحران‌های آتی است. در این جنگ، رژیم صهیونی با اهدافی نظیر ایجاد هراس، بی‌ثباتی اجتماعی و فروپاشی انسجام داخلی، حملاتی را آغاز کرد؛ اما تشکل‌های مردم‌نهاد با تکیه بر ظرفیت‌های اجتماعی، اقدامات قابل توجهی در حوزه‌های امدادی، روانی، معیشتی، امنیتی و رسانه‌ای انجام دادند. این نهادها توانستند در برابر پیامدهای جنگ مقاومت کرده، همبستگی اجتماعی را تقویت و زمینه‌ای برای دیپلماسی مردمی فراهم کنند. با این حال، چالش‌هایی نظیر ضعف ساختاری، اختلال در شبکه‌سازی و نبود بستر مناسب قانونی مانع از بهره‌برداری کامل از این ظرفیت‌ها شد.

نقطه نظرات/یافته‌های کلیدی

در طول جنگ ۱۲ روزه، تشکل‌های مردم‌نهاد نقش چشمگیری در مدیریت بحران ایفا کردند و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی، به‌عنوان بازیگرانی مؤثر در عرصه‌های مختلف امدادی، روانی، معیشتی، امنیتی و رسانه‌ای ظاهر شدند. این تشکل‌ها شامل هلال احمر، خیریه‌ها، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های جهادی، انجمن‌های صنفی، کانون‌های مساجد، بسیج و دیگر سازمان‌های مردم‌پایه بودند. اقدام‌های تشکل‌های فوق از مدیریت روانی جامعه، حمایت از افشار آسیب‌پذیر، تأمین امنیت محلی، تأمستندسازی جنایات جنگی و دفاع از حقوق بشر در سطح بین‌المللی را دربرمی‌گرفت.

این تجربه باعث احیای بی‌سابقه همبستگی اجتماعی فراجناحی در کشور شد. لذا مشارکت نسل جوان، گروه‌های مذهبی و فعالان اجتماعی و سیاسی، زمینه‌ساز انسجام ملی و تقویت دیپلماسی مردمی شد. همچنین حمایت‌های مردمی در سطح بین‌المللی از جمله کشورهای اسلامی و برخی جوامع غربی، نقشی مهم در روایتگری و تقابل با تبلیغات رسانه‌ای دشمن ایفا کرد.

با این حال، عملکرد این تشکل‌ها با چالش‌هایی نیز مواجه بود؛

از جمله ضعف ساختاری تشکل‌های مردمی، ناهماهنگی در شبکه‌سازی آنها، عدم مهارت لازم برای مدیریت تفاوت‌های فرهنگی بین تشکل‌ها و... لازم به ذکر است؛ این مشکلات مانع از بهره‌برداری کامل از ظرفیت‌های مردمی شدند؛ امری که اهتمام سیاستگذار را به منظور رفع چالش‌های مذکور می‌طلبد تا بتوان از حداکثر ظرفیت این تشکل‌ها در بحران‌های آتی بهره برد.

برای رفع این موانع و استفاده بهینه از این ظرفیت‌ها در آینده، لازم است دولت نقش «کارگردان هوشمند» را ایفا کرده و با رویکرد مشارکتی، زمینه تعامل سازنده با تشکل‌ها را فراهم آورد. بنابراین تقویت آموزش، تسهیل شبکه‌سازی، فراهم‌سازی بستر قانونی، و بازتعریف نقش دولت از «رئیس» به «تسهیلگر» از الزامات اصلی این مسیر است.

تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد که در شرایط بحرانی، نهادهای مردمی می‌توانند به ستون فقرات جامعه مقاوم و کنشگر بدل شوند. بهره‌گیری از این تجربه می‌تواند الگویی ماندگار برای مواجهه با چالش‌های آینده باشد، به شرط آنکه ساختار مشارکت اجتماعی بازآفرینی و نهادینه شود.

پیشنهاد راهکارهای تقنینی، نظارتی یا سیاستی

به منظور تقویت نقش تشکل‌های مردم‌نهاد در مدیریت بحران‌های آتی، با الهام از تجربه موفق جنگ ۱۲ روزه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

۱- بازتعریف نقش دولت به عنوان «کارگردان هوشمند» در مواجهه با تشکل‌های مردم‌نهاد

در مواجهه با تشکل‌های مردم‌نهاد، دولت باید از نقش کارفرمایی فاصله بگیرد و در چارچوب یک حکمرانی مشارکتی، ضمن هدایت و حمایت، زمینه حضور مؤثر و سازمان‌یافته نهادهای مردمی را فراهم کند. این تحول مستلزم آموزش مدیران دولتی درباره تفاوت نهادهای اجتماعی با بخش خصوصی و تقویت رویکرد مشارکتی در فرایندهای تصمیم‌سازی است.

۲- اصلاح و تدوین نظام حقوقی مشارکت اجتماعی
بررسی‌ها نشان می‌دهد نیازی فوری به منظور تصویب و اجرای



قوانین پشتیبان از جمله «قانون جامع مشارکت اجتماعی»، «سیاست‌های کلی نظام در حوزه سرمایه اجتماعی و مشارکت اجتماعی» و مقررات خاص برای انواع نهادهای اجتماعی (مانند خیریه‌ها، کسب‌وکارهای اجتماعی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی و ...) وجود دارد. این چارچوب حقوقی باید شفاف، تسهیلگر، مشارکت‌محور و مبتنی بر اعتماد متقابل باشد.

۳ ایجاد سازوکار رسمی برای مشارکت تشکلی‌ها در تصمیم‌گیری و نظارت

ایجاد جایگاه مشورتی برای تشکلی‌های تخصصی در شوراهای تصمیم‌گیر و تنظیم‌گر سیاست اجتماعی در سطوح ملی و محلی، گامی ضروری به منظور نهادینه‌سازی مشارکت مردمی است. حضور نهادهای مردم‌نهاد در کمیسیون‌های مجلس، شورای اجتماعی کشور، هیئت دولت و شوراهای تخصصی می‌تواند به بازآفرینی اعتماد عمومی نیز کمک کند.

۴ تقویت شبکه‌سازی و هم‌افزایی بین تشکلی‌های مردم‌نهاد به منظور استفاده حداکثری از ظرفیت تشکلی‌های مردمی، آنها باید از حالت فعالیت‌های جزیره‌ای و پراکنده خارج شوند و با حمایت دولت، در قالب شبکه‌های تخصصی (مانند شبکه محیط زیست، شبکه امداد اجتماعی، شبکه روایتگری) سازمان یابند. این شبکه‌سازی ظرفیت مواجهه با بحران‌های آینده را افزایش می‌دهد و از موازی‌کاری نیز جلوگیری می‌کند.

۵ آموزش و توانمندسازی دولت، مردم و تشکلی‌ها

توسعه دانش و مهارت‌های مورد نیاز در زمینه «کار تشکلیاتی»، «مشارکت اجتماعی»، «نظارت مدنی»، «قانون‌مداری» و «حکمرانی مشارکتی» برای همه ذی‌نفعان (اعضای تشکلی‌ها، مردم و کارگزاران دولتی) باید در دستور کار قرار گیرد. این آموزش‌ها زمینه‌ساز افزایش بهره‌وری مشارکت، کاهش تعارضات نهادی و عینیت یافتن حکمرانی مشارکتی خواهد شد.

۶ تقویت روایتگری و دیپلماسی عمومی توسط نهادهای مردم‌نهاد

تشکلی‌های دارای مقام مشورتی در سازمان ملل و نهادهای مشابه باید در حوزه مستندسازی و افشای جنایات جنگی دشمن فعال شوند. دولت باید بستر حضور بین‌المللی آنها را در نشست‌ها و مجامع فراهم کرده و با تأمین امنیت حقوقی آنها، از سانسور خودخواسته و انفعال رسانه‌ای جلوگیری کند.

۷ گسترش بسترهای قانونی و نهادی برای تشکلی‌یابی آسان و سریع

در شرایط بحران، تشکلی‌یابی سریع و بهره‌وری بالا مستلزم حذف موانع بوروکراتیک، تسهیل صدور مجوزها، حمایت مالی و تخصیص امکانات عمومی (نظیر فضا، رسانه، زیرساخت دیجیتال) به نهادهای مردمی است. این اقدامات باید در قالب بسته‌های حمایت فوری برای دوران اضطرار طراحی شوند.

۱. مقدمه



جنگ ۱۲ روزه در پهنه سرزمینی ایران، عرصه‌های مختلفی از نبرد با دشمن صهیونی را به نمایش گذاشت. یکی از حوزه‌های مهم این نبرد، حیطه اجتماعی جنگ بود؛ جایی که با وجود برنامه جدی دشمن برای آن، مردم با بسیج تمامی ظرفیت‌های فردی و نهادی خود، به مقابله با پیامدهای جنگ برآمده و امنیت و نیازهای جوامع محلی را تأمین کردند. تجربه جهانی نیز نشان می‌دهد؛ در هنگام بحران‌های فراگیر، استفاده از ظرفیت نهادهای مردمی، جزء مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامات برای مدیریت بهینه بحران است [۱]. این پژوهش با تمرکز بر عرصه اجتماعی، به بررسی نقش تشکلی‌های مردم‌نهاد در شرایط بحران می‌پردازد و فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی این نهادها را تحلیل می‌کند.

از این‌رو، با حمله غافلگیرکننده در نخستین شب جنگ، همراه با بمباران خبری شبکه‌های معاند نظیر ایران‌اینترنشنال و سانسور گسترده در رسانه‌های رسمی، سعی شد موجی از هراس در میان شهروندان برانگیخته شود. در این شرایط، خروج گسترده مردم از کلان‌شهرهایی نظیر تهران، اصفهان و قم صورت گرفت. خالی شدن خانه‌ها، ازدحام جاده‌های خروجی و تشدید ترافیک، نه تنها

بر زیرساخت‌های شهری فشار وارد کرد، بلکه برای قسمتی از جامعه آسیب‌های روانی ایجاد نمود. شب‌های پراشتهاب، با صدای ریزپرنده‌ها و تیربار پدافند هوایی، آرامش برخی شهروندان را ربود. با این حال، این وضعیت تنها دوام کوتاهی داشت. انتصاب مقامات نظامی کارآمد، تقویت شبکه پدافندی و پاسخ آفندی مؤثر به دشمن، به تدریج روحیه جمعی را ترمیم کرد، همبستگی جمعی بی‌سابقه‌ای را ایجاد نمود و بستر را برای احیای نهادهای مردمی و فعالیت‌های مؤثر آنها فراهم کرد.

در حقیقت هرچند یکی از برنامه‌های جدی رژیم صهیونی به منظور پیشبرد جنگ، طراحی برای ایجاد ناآرامی‌ها و التهاب‌های اجتماعی بود، اما خیزش فراگیر مردم علیه تجاوز این رژیم و اقدامات خودجوش تشکل‌های مردمی جهت سامان دادن به امور، تا حد زیادی این طراحی را ناکام گذارد. اما نکته حائز اهمیت آن است که با توجه به احتمال ادامه‌دار بودن جنگ تحمیلی، ضروری است تا برنامه‌ریزی دقیقی به منظور تسهیل فعالیت تشکل‌های اجتماعی صورت گیرد تا امکان خدمات‌رسانی بیشتر و اقدامات مؤثرتر فراهم آید.

۲. اقدامات نهادهای مردمی در طول جنگ ۱۲ روزه



- تأمین پناهگاه و اسکان موقت برای افرادی که خانه‌های خود را ترک کرده بودند، با همکاری انجمن‌های صنفی (از جمله هتل‌داران)،
- توزیع بسته‌های معیشتی میان نیازمندان و تأمین کالاهای اساسی برای شبکه‌های توزیع محلی.

۲-۳. تأمین امنیت و سازماندهی محلی

- تشکیل گروه‌های محافظت محله‌ای با محوریت مساجد یا هیئت‌های مذهبی و نهادهای مردمی محلی به‌ویژه بسیج مردمی و گروه‌های جهادی برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی.

۲-۴. دفاع از حقوق بشر و مستندسازی جنایات جنگی

- تهیه بیانیه‌های حقوق بشری با تمرکز بر حقوق کودکان، زنان، حق بر آموزش و اهداف توسعه پایدار (SDGs) جهت ارائه به نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل،
- مستندسازی و روایتگری میدانی از تخریب زیرساخت‌های غیرنظامی (مراکز خدمات بهداشتی، بیمارستان‌ها، مدارس، دانشگاه‌ها، تأسیسات آب و انرژی) و شهادت غیرنظامیان (به‌ویژه کودکان، زنان و خبرنگاران) برای افشای پروپاگانداهای رسانه‌ای دشمن.

در این بحران، طیف گسترده‌ای از تشکل‌های مردم‌نهاد شامل جمعیت هلال احمر، خیریه‌ها، انجمن‌های صنفی، کانون‌های مساجد، هیئت‌های مذهبی، گروه‌های جهادی، خانه‌های جهاد (سرای محلات تهران)، بسیج مردمی و سازمان‌های غیردولتی (NGOs) با کارکردهای حمایتی، امدادی و ترویجی به میدان آمدند. این نهادها با تکیه بر شبکه‌های اجتماعی و سازمانی خود، نقش مؤثری در مدیریت بحران ایفا کردند. برخی از اقدامات کلیدی این تشکل‌ها به شرح زیر است:

۲-۱. مدیریت روانی جامعه

- تولید و انتشار محتوای آموزشی جهت کنترل اضطراب جمعی، از طریق شبکه‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی،
- تهیه پادکست‌ها و مستندهای الکترونیک در زمینه روان‌درمانی جمعی، مراقبت از کودکان و بیماران خاص (مانند افراد مبتلا به اوتیسم) تحت نظارت سازمان‌های مردم‌نهاد مرتبط با بهزیستی.

۲-۲. حمایت از گروه‌های آسیب‌پذیر

- واگذاری موقت بخش زیادی از کودکان و سالمندان بی‌سرپرست مستقر در شیرخوارگاه‌ها، مراکز شبه‌خانواده و آسایشگاه‌های سالمندان به خانواده‌های داوطلب،



۲-۵. شبکه‌سازی بین‌المللی

■ ایجاد ائتلاف با سازمان‌های غیردولتی خارجی (مانند سازمان‌های غیردولتی حقوق بشری در مالزی) جهت صدور بیانیه‌های مشترک محکومیت‌آمیز علیه رژیم صهیونی و ارسال آن به سازمان ملل و شورای حقوق بشر، برگزاری کمپین‌های بین‌المللی در کشورهای اروپایی و آسیایی (نظیر کانادا و انگلیس) برای جلب حمایت جهانی.

۲-۶. تسهیل همبستگی اجتماعی

■ سازماندهی خدمات داوطلبانه نظیر نانوائی‌های شبانه‌روزی، ارائه کمک‌های پزشکی رایگان و توزیع مواد غذایی به‌منظور تقویت انسجام اجتماعی در بحران. گفتنی است؛ تشکل‌های مردم‌نهاد در این دوره بحرانی، نه تنها به‌عنوان سپر اجتماعی در برابر آسیب‌های جنگ عمل کردند، بلکه با بهره‌گیری از سازوکارهای مردمی و بین‌المللی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مقاومت اجتماعی، مستندسازی حقایق و بازسازی روحیه جمعی ایفا کردند. این تجربه، گواهی بر اهمیت نهادهای مردمی در شرایط بحران و لزوم تقویت ساختارهای مشارکت مردمی برای مواجهه با چالش‌های آینده است.

۳. فرصت‌ها و ظرفیت‌های اجتماعی الهام‌بخش در طول جنگ ۱۲ روزه



۳-۱. همبستگی فراجناحی و ظهور کنش‌های جمعی

در جریان جنگ ۱۲ روزه، شاهد شکل‌گیری پویای خودجوش مردمی با نشانه‌های بارز وطن‌دوستی بودیم که فراتر از تقسیم‌بندی‌های مرسوم سیاسی و اجتماعی قرار داشت. این همگرایی کم‌سابقه در میان گروه‌هایی با اندیشه‌ها و گرایش‌های به‌ظاهر متعارض مشاهده شد؛ از جمله:

- فعالان جنبش‌های اجتماعی،
- نسل جوان (Z و آلفا) با ویژگی‌های رسانه‌محور و کنشگری دیجیتال،
- طیف‌های مذهبی مختلف،
- جریان‌های سیاسی متنوع (اصلاح‌طلب، اصول‌گرا، عدالت‌خواه و ...).

این همگرایی اجتماعی بی‌سابقه، نشان‌دهنده ظرفیت نهفته‌ای است که در شرایط بحران ملی می‌تواند به عاملی برای تقویت انسجام ساختاری و کاهش گسل‌های اجتماعی تبدیل شود.

۳-۲. حمایت‌های بین‌المللی: دولت‌ها در مقابل مردم

در عرصه جهانی، رویکرد دوگانه‌ای مشاهده شد: **۱-** دولت‌های غربی (آمریکا، انگلیس، کانادا، سوئیس) نه تنها

از محکومیت تهاجم رژیم اشغالگر خودداری کردند، بلکه با حمایت نظامی، حقوقی و رسانه‌ای از مهاجمان، نقش فعالی در تداوم بحران ایفا نمودند.

۲- در مقابل، مردم و نهادهای مردمی همین کشورها با راه‌اندازی تظاهرات خیابانی، کمپین‌های دیجیتال و تولید محتوای حمایتی، موضعی مستقل از دولت‌های متبوع خود اتخاذ کردند.

گفتنی است؛ این حمایت‌ها در کشورهای عربی (یمن، فلسطین، لبنان، عراق، کویت، اردن) و اسلامی (پاکستان، مالزی، ترکیه) با شدت بیشتری نمود یافت، به‌گونه‌ای که سازمان‌های غیردولتی منطقه (به‌ویژه در ترکیه و مالزی) با دعوت از کنشگران ایرانی، به تبیین روایت ایرانی جنگ در محافل بین‌المللی پرداختند.

۳-۳. فرصت‌های تاریخی و الزامات آینده

حضور پررنگ و همدلانه آحاد مردم و نهادهای مردمی با سلاخی و گرایش‌های متفاوت در عرصه اجتماعی جنگ، کم‌نظیر و شاید در ۲۰ سال اخیر بی‌نظیر بود. از این‌رو، استفاده از این فرصت طلایی برای احیای انسجام ملی و همبستگی اجتماعی

۳-۴. چالش‌های مشارکت نهادمند اجتماعی در دوران جنگ

بررسی‌ها نشان می‌دهد با وجود ظهور ظرفیت‌های بی‌سابقه در عرصه مشارکت مردمی طی جنگ ۱۲ روزه، نهادهای مردمی با چالش‌های ساختاری و عملکردی متعددی مواجه بودند که مانع از بهره‌برداری کامل از این پتانسیل‌ها شد. این چالش‌ها عمدتاً ریشه در «ضعف نهادی»، «اختلال در شبکه‌سازی»، «بیم از پیامدهای سیاسی» و «تفاوت‌های فرهنگی بین گروه‌های مشارکت‌کننده» داشت، مسائلی که پیش از جنگ نیز وجود داشت و در این دوره خود را بیشتر نمایان کرد [۲]. در این بخش، چهار چالش محوری با رویکردی تحلیلی بررسی می‌شود:

۱- ضعف ساختاری تشکل‌های مردمی: در برخی موارد، نهادهای مردمی فاقد ساختار تشکیلاتی منسجم بودند؛ به‌گونه‌ای که تمام بار فعالیت بر دوش یک فرد (معمولاً مؤسس یا مدیر) قرار می‌گرفت. این امر نشان‌دهنده عدم نهادینه شدن کار جمعی و فقدان سازوکارهای تفویض اختیار بود. پیامدهای چنین مسئله‌ای عبارت‌اند از:

- کاهش بهره‌وری به دلیل تمرکز تصمیم‌گیری،
- آسیب‌پذیری تشکل‌ها در صورت غیبت یا فرسودگی فردمحوری.

این وضعیت با مفهوم «نهادهای صوری»^۱ در جامعه‌شناسی سازمان‌ها همخوانی دارد که در آن، ساختارهای ظاهری فاقد محتوای مشارکتی هستند.

۲- اختلال در شبکه‌سازی اجتماعی: در روزهای نخست جنگ، انرژی قابل‌توجهی صرف فرایندهای مقدماتی مانند شناسایی ظرفیت‌ها، شبکه‌سازی، تشکیل جلسات هماهنگی و طراحی ایده‌ها شد؛ درحالی‌که، شرایط بحران نیازمند عمل‌گرایی سریع بود. در چنین شرایطی «تأخیر در ارائه خدمات اضطراری» و «موازی‌کاری و پراکندگی منابع» بسیار محتمل است. از این‌رو، ایجاد «شبکه‌های از پیش طراحی شده»^۲ پیش از وقوع بحران، همانند الگوی «جامعه تاب‌آور»^۳ در مدیریت بحران می‌تواند

ضرورتی محتوم و قطعی است. اهم این فرصت‌ها به شرح زیر است:

۱- احیای انسجام ملی: این همبستگی فراجناحی، فرصتی مغتنم برای بازتعریف هویت جمعی برپایه مؤلفه‌های ملی و فراقومی است. مسئله اصلی در این حوزه، شناخت دقیق رویش‌های اجتماعی و دلایل همگرایی و همبستگی آنهاست. لازم به ذکر است؛ رشد همبستگی اجتماعی که عمدتاً حول یک امر سلبی (تحمیل جنگ از سوی رژیم صهیونی) شکل گرفت، اگر با یک طرح ایجابی برای ترمیم و ارتقای سطح همبستگی اجتماعی همراه نشود، پایایی و ماندگاری لازم را ضرورتاً نخواهد داشت.

۲- ظرفیت‌سازی برای دیپلماسی مردمی:

- تشکل‌های مردم‌نهاد دارای مقام مشورتی در اکوسوک می‌توانند به ابزاری راهبردی برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی جهانی و مقابله با روایت‌های یک‌سویه تبدیل شوند.

- تشکل‌های مردم‌نهاد بین‌المللی نیز می‌توانند با حضور مؤثر در بستر جوامع همسو و مستعد همراهی در حوزه مقابله با جنگ و مخالفان رژیم، وجهه اجتماعی و سیاسی ایران را بازآفرینی و افکار عمومی را نسبت به اقدامات بین‌المللی ایران هموار سازند.

غفلت از این فرصت ممکن است به بازتولید گسل‌های برساخته در سطح بین‌الملل یا مصادره آن توسط بازیگران رقیب (مانند NGOهای ترکیه‌ای) بینجامد.

۳- تثبیت الگوی مدیریت بحران مردمی:

- تبیین و تکمیل تجربه موفق تشکل‌های خودجوش در این جنگ، می‌تواند الگویی ماندگار برای مواجهه با بحران‌های آینده (از جمله تحریم‌ها یا تهدیدات امنیتی) ارائه دهد.

در واقع، ظهور همبستگی اجتماعی فراجناحی و حمایت‌های بین‌المللی مردمی، دو رکن اصلی در بازتعریف نقش جامعه و نهادهای مردمی در شرایط بحران هستند. بهره‌گیری هوشمندانه از این سرمایه اجتماعی، مستلزم تدوین راهبردهای نهادی برای تثبیت این دستاوردها و جلوگیری از تحریف یا تضعیف آنها در آینده است.

1. Formal Organizations without Institutionalization

2. Pre-established Networks

3. Resilient Community



راهکاری مؤثر باشد.

۳. بیم از فعالیت رسانه‌ای و پیامدهای سیاسی.

همچنین، فعالان اجتماعی به دو دلیل از حضور در رسانه‌های بین‌المللی اجتناب کردند:

- ابهام حقوقی: بیم از اتهام‌زنی سیاسی یا نقض قوانین داخلی،
- جنگ روایت‌ها: سلطه رسانه‌های معاند بر فضای اطلاع‌رسانی جهانی.

بروز موارد فوق، پیامدهایی خواهد داشت که «غلبه روایت‌های یک‌جانبه دشمن بر افکار عمومی جهانی» و «از دست رفتن فرصت‌های دیپلماسی عمومی»^۱ از مهم‌ترین آنهاست. این چالش با مفهوم «سانسور خودخواسته»^۲ در نظریه‌های ارتباطات همسو است که در آن کنشگران به دلیل بیم از

مجازات، داوطلبانه از بیان مواضع خودداری می‌کنند. تفاوت‌های فرهنگی بین گروه‌های مشارکت‌کننده: اگرچه گروه‌های جهادی و بسیجی و سازمان‌های غیردولتی مدرن (NGOها) همگی در عرصه مشارکت فعال بودند، اما کمبود تجربه پیشین همکاری تا حدی مانع از هم‌افزایی آنها شد. علل ریشه‌ای چنین نقیصه‌ای می‌تواند «تفاوت در سبک مدیریتی (متمرکز در مقابل مشارکتی)»، و «تفاوت در اولویت‌های کاری (امدادرسانی فوری در مقابل توسعه و توانمندسازی)» باشد. چنین تفاوت‌هایی در میان نهادهای مردمی نتایج مثبتی به همراه نخواهد داشت، بخشی از این پیامدها عبارت‌اند از:

- عدم استفاده از مزیت‌های نسبی هر گروه،
- تضعیف پتانسیل تحقق جامعه مدنی ترکیبی.^۳

۴. الزامات و تمهیدات لازم برای احیای مشارکت نهادمند مردمی



تصمیم‌سازان کشور به ضرورت گذار از نگرش «خودی/ غیرخودی» به رویکرد «همه مردم سرمایه‌اند» تغییر کند.

۲-۴. تقویت انسجام ملی به مثابه کاتالیزور مشارکت

هدف اصلی متشکل شدن مردم باید افزایش انسجام ملی در کشور باشد. جایی که به دور از هرگونه «قطبی‌سازی جامعه و نهادهای مردمی»، «تولید سازمان‌های غیردولتی دولت‌ساخته»، «ایجاد انحصار و رانت برای همراهان و طرف‌داران» و «رفتارهای حزبی در بستر اجتماعی کشور»، عموم مردم بتوانند هم‌جواری، هم‌زیستی و همکاری را تجربه کنند. در واقع باید به این اصل تکیه کنیم که: «مردم؛ یعنی همه مردم»؛ در این صورت است که می‌توان تشکل‌ها و نهادهایی فراگیر، مردم‌ساخته، داوطلب و دغدغه‌مند بر محور اصل وطن‌دوستی داشت.

۳-۴. بهره‌ورسازی تشکل‌ها

ایجاد تشکل و نهاد مردمی یک ضرورت است؛ اما یک تشکل زمانی می‌تواند در عرصه اجتماعی کشور، به‌خصوص در

احیای مشارکت نهادمند مردمی مستلزم ایجاد بستری است که در آن سه عنصر کلیدی «مردم آگاه»، «تشکل‌های توانمند» و «دولت حامی» در تعامل سازنده قرار گیرند. این مثلث مشارکتی می‌تواند جامعه‌ای تاب‌آور و حکمرانی کارآمد را محقق سازد. ماحصل چنین رویکردی، قوی شدن جامعه است. دولت در این فرایند نقش مؤثری دارد. نه تنها باید بانی چنین شبکه‌ای باشد، بلکه باید راهبر و تسهیلگر نیز باشد. در ادامه اهم الزامات و تمهیدات ضروری برای احیای مشارکت نهادمند مردم در امور اجتماعی کشور براساس تجربیات جنگ تحمیلی ۱۲روزه و چالش‌های پیش‌رو، بیان شده است.

۱-۴. جذب حداکثری با رویکرد فراگیر

همان‌گونه که مردم در این چند روز با هر نگاه و رویکردی و سلیقه‌ای پای کار نظام و ایران بودند، باور به مردم نیز باید به‌صورت نهادینه در حوزه رسمی تعریف شود. البته این باور به‌معنای سهل‌انگاری و رهاسازی امنیت اجتماعی- سیاسی کشور نیست. به عبارت دیگر، باید نگاه تصمیم‌گیرندگان و

1. Public Diplomacy
2. Self-Censorship
3. Hybrid Civil Society

در کشور هستند، این نهادهای مردمی را مرئوس یا پیمانکار خود می‌دانند و اصطلاح «شریک اجتماعی» را به معنای واقعی کلمه درک نکرده‌اند. کارگردان بودن دولت به معنای آن است که نباید بر تشکلهای ریاست کند، کارفرمای آنها نیست که به آنها پول بدهد و کالا و خدمات تحویل بگیرد؛ بلکه باید مسیر همکاری را مبتنی بر اعتماد متقابل طراحی کرده و نهادهای بخش مردمی را تقویت کند و بتواند با مشارکت آنها در امور اجتماعی و مردمی تصمیم‌گیری نماید. بر این اساس، با مشارکت آنها سرمایه‌گذاری و مدیریت را اجرایی و با همکاری آنها بر عملکردها و رفتارها نظارت کند. کارگردانی تمام این مسیر برعهده حاکمیت بوده و این نقشی است که فقط دولت می‌تواند از پس آن برآید. این در شرایطی است که بسیاری از مدیران و کارشناسان دولتی که مسئول صدور مجوز و پروانه فعالیت تشکلهای اجتماعی در کشور هستند نه تنها تفاوت میان خیریه، تشکل مطالبه‌گر، کسب‌وکار اجتماعی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری اجتماعی (ونچرفلانتراپی) و شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی نمی‌دانند، بلکه به تفاوت میان تشکل مردم‌نهاد و دستگاه‌های عمومی و دولتی نیز آگاه نیستند. گاهی نهادهای مردمی را بخش خصوصی قلمداد کرده و به مثابه یک شرکت تجاری با آنها رفتار می‌کنند. در بهترین حالت مدیران و کارشناسان این حوزه، انتظار دارند که این نهادها داوطلبانه پول و ظرفیت‌های اجرایی خود را به میان آورده و تکالیف زمین‌مانده دولت را انجام دهند.

با توجه به عملکرد خوب و شایسته تشکلهای و نهادهای مردمی در دوره ۱۲ روزه جنگی تحمیلی، زمان آن فرارسیده که شرایط برای تسهیل تشکلیابی و شبکه‌سازی مردم فراهم آید. تجدید اعتماد نهادهای نظارتی به تشکلهای فرصت مغتنمی است که اعتماد به حاکمیت و سرمایه اجتماعی کشور را افزایش می‌دهد.

دوره‌های خطیری همچون جنگ، نقش درست و اثر ماندگاری داشته باشد که بهره‌مند از سازماندهی مناسب بوده، توانمند باشد، ارکان فعالی داشته باشد، کار تشکیلاتی را آموخته، قانون را بداند و مقید به اجرای آن باشد.

۴-۴. توانمندسازی جامعه با رویکرد حکمرانی مشارکتی

جامعه به معنای پدیده‌ای بزرگ‌تر و گسترده‌تر از جمع جبری مردم ساکن در یک جغرافیا، نیاز به آموزش، بالندگی و توانمندسازی دارد تا راه حمایت‌گری، نظارت اجتماعی، مطالبه‌گری و تصمیم‌سازی صحیح و سازنده را با وجود تفاوت نظرها و تعارض سلايق موجود طی کند. مردم و نهادهای مردمی باید جایگاه خود را در الگوی حکمرانی بدانند و متناسب با جایگاه خود ایفای نقش کنند و سایر ارکان (بخش عمومی و دولتی) را رصد کرده و انحرافات و ترک فعل‌های آنها را پیگیری کنند و در تصمیمات نهادهای عمومی اعم از شوراها و دستگاه‌های دولتی نقش مؤثری داشته باشند. در فضای جنگی که نیاز به تصمیمات سریع، مؤثر و با کمترین تأثیرگذاری منفی وجود دارد، اهمیت توانمندسازی جامعه بیشتر مشخص می‌شود.

۴-۵. بازتعریف نقش دولت به عنوان کارگردان هوشمند

شمار قابل توجهی از مدیران و کارشناسان در دستگاه‌های خدماتی کشور با الزامات و اقتضائات حوزه‌های مردمی آشنا نیستند، فرق بین بخش خصوصی و نهاد مردمی را نمی‌دانند. هر آنچه از این بخش مهم می‌شناسند محدود به خیریه‌ها و کمک‌های انسان‌دوستانه آحاد مردم است. بخش زیادی از مدیران و کارشناسان در سازمان‌های امور اجتماعی، بهزیستی و کمیته امداد که بزرگ‌ترین متولیان حوزه تشکلهای مردم‌نهاد



۵. جمع‌بندی و پیشنهادات



مسیر حکمرانی مشارکتی را در کشور طراحی و تسهیل کند. تشکلهای نیز نباید به بهانه اعتماد به دولت، نظارت (رصد و مطالبه‌گری) بر او را فراموش کنند. در واقع منظور از اعتماد کردن در این بزنگاه تاریخی کشور، به‌منزله گذشتن از تجربیات تلخ گذشته این دو بخش از یکدیگر و تقویت حسن‌ظن نسبت به یکدیگر به بهانه همکاری و همدلی اخیر است. به‌منظور ایجاد و گسترش چنین روحیه و رویکردی در دولت و جامعه پیشنهادهایی در سه بازه زمانی (بلند، میان و کوتاه‌مدت) به‌منظور تقویت نظام مشارکت نهادمند اجتماعی در کشور به‌شرح ذیل ارائه می‌شود.

۵-۱. پیشنهادهایی برای بازه زمانی بلندمدت

■ بازبینی نقش و مأموریت حاکمیت در حوزه اجتماعی و مشارکت مردمی.

در صورتی‌که نقش حاکمیت را «کارگردانی» نه «رئیس و کارفرما» و مأموریت او را «هدایت، حمایت و نظارت» نه «مجری و بازرس»، در نظر بگیریم در این صورت می‌توان سازمان کار نهادهای مردمی را تقویت کرد و تصدی امور و برنامه‌ریزی‌های این حوزه را به خود آنها واگذار کرد. ابزار و فرصت‌های خودکنترلی و کنترل سلسله‌مراتبی را (در کنار کنترل‌های حاکمیتی و نظارت عالی‌دولت) برای آنها فراهم نمود و آنها را در نهادهای تصمیم‌گیرنده عضو و بستر امن مطالبه‌گری قانونی و نظارت بر عملکرد دولت و بخش خصوصی را برای ایشان ایجاد کرد.

به‌نظر می‌رسد که نظام سیاستی و حقوقی کشور نیز متناسب با نقش و مأموریت حاکمیت در حوزه اجتماعی و حقوق و اختیارات نهادهای مردمی در عرصه اجتماعی کشور تنقیح، تصحیح و تکمیل شود. «سیاست‌های کلی نظام در حوزه سرمایه و مشارکت اجتماعی»، «قانون جامع مشارکت اجتماعی» و «قوانین و مقررات خاص نهادهای اجتماعی» اعم از خیریه‌ها^۱ تشکلهای مردم‌نهاد^۲ کسب‌وکارها و

عملکرد و رفتار حاکمیت (دولت، ارتش، سپاه و سایر نهادهای انقلابی) و نهادهای مردمی اعم از خیریه‌ها، گروه‌های جهادی، بسیج مردمی، هیئت‌های مذهبی، مساجد و سازمان‌های غیردولتی (NGO) در ۱۲ روز جنگ تحمیلی علیه رژیم، نشانه‌های بسیار خوبی از احیای روح جمعی و همبستگی ملی بود. تشکلهای و نهادهای، به‌معنای واقعی کلمه کارآمد و مؤثر بودند. شور و اشتیاق آنها برای دفاع از ایران و تأمین امنیت اجتماعی و ارائه خدمات حمایتی به مردم به‌گونه‌ای بود که گویی «نقش را به مسئولیت» و «کار خیر را به وظیفه» خود بدل کرده بودند. از روز اول تا انتها فعال بودند و هم‌اکنون نیز با بازگشت داوطلبین و اعضا با قدرتی دوجندان در میدان هستند. گزارش‌های اولیه حکایت از آن دارد که در بستر هیچ تشکلی خرابکاری صورت نگرفته است. ارکان و اعضای آن جاسوسی نکردند و نه‌تنها بیانیهای ضدایران صادر نکردند؛ بلکه به‌صورت گسترده بر علیه رژیم اقدام به تهیه مستندات، تدوین و ارسال بیانییه به زبان‌های فارسی، عربی و انگلیسی کردند و با وجود محدودیت‌های اینترنتی به روایتگری و کار رسانه‌ای پرداختند. برای تأمین امنیت روانی مردم تولید محتوا کردند. خدمات اجتماعی خود را تعطیل نکرده و در نهایت همکاری بسیار مناسب و همدلانه‌ای با تمام دستگاه‌های دولتی و انقلابی داشتند.

حال بهترین فرصت برای آن است که مجدداً دولت سطح ارتباطش با تشکلهای را ارتقا دهد. آنها را هم‌زیست و هم‌جوار، شریک و همکار خود بداند تا بتواند اعتماد تشکلهای به دولت را نیز حفظ و تقویت کند و این یک معامله برد-برد برای جامعه و حاکمیت است. واضح است که جامعه قوی و حاکمیت توانمند در کنار هم شکل می‌گیرند نه در فقدان دیگری.

قابل‌توجه است که فرایند اعتماد کردن، هیچ‌گاه به‌منزله فراموشی، واسپاری و رها کردن نبوده و نیست. دولت نباید نظارت و اقتدار عالی‌دولت خود را در مواجهه با جامعه و تشکلهای اجتماعی از دست بدهد و باید به‌عنوان یک «کارگردان» تمام

1. Charity

2. Non-Governmental Organization (NGO) / Non-Profit Organization (NPO)

او نمی‌دهد. نهاد ریاست‌جمهوری به‌جای معاونت، صرفاً یک دستیار در حوزه اجتماعی دارد که عملاً تشکیلات و ظرفیت اجرایی مناسبی ندارد. دستگاه‌های اجرایی مؤثر در حوزه اجتماعی نیز جایگاه مناسبی برای حوزه مشارکت‌های اجتماعی در ساختار خود در نظر نگرفته‌اند.^{۱۵} سازمان امور اجتماعی کشور به‌عنوان اجتماعی‌ترین نهاد حاکمیت در سیاسی‌ترین ساختار دولتی (وزارت کشور) بنا شده است که چالش‌های خاص خود را به‌همراه می‌آورد.

چالش‌های فوق‌الذکر در شرایطی است که شرکت‌های تجاری و تعاونی، ساختارهای درون‌زا، منسجم و قدرتمندی به نام اتحادیه و اتاق^{۱۶} دارند که در نظام حکمرانی در سطوح ملی و محلی ایفای نقش می‌کنند. همچنین، بخش اقتصادی در هیئت وزیران نیز چندین نماینده^{۱۷} دارد؛ در تمامی دستگاه‌های دولتی در بالاترین سطح سازمان، معاونت‌های اقتصادی تعبیه شده و در تمامی شوراهای تصمیم‌گیرنده کشور حداقل یک نماینده دارند.

۲-۵. پیشنهادهایی برای بازه زمانی میان‌مدت

■ ایجاد سازوکار و فرایند همکاری نهادهای اجتماعی همان‌طور که پیشتر بیان شد، جامعه ایرانی به‌صورت تاریخی از تنوع نهادی جذابی برخوردار است. نهاد بازار و مسجد همواره در عرصه اجتماعی کشور فعالان مؤثری بودند. خیریه‌ها و موقوفات

شرکت‌های اجتماعی،^۱ شرکت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی،^۲ مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها،^۳ سرمایه‌گذاری‌های ریسک‌پذیر انسان‌دوستانه،^۴ اوراق قرضه اجتماعی،^۵ تأمین مالی جمعی و هم‌تا،^۶ مشارکت‌های اجتماعی عمومی^۷ و قراردادهای تأثیر اجتماعی،^۸ ارزیابی اثرات اجتماعی^۹ و بازده اجتماعی سرمایه^{۱۰} اهم سیاست‌ها، قوانین و مقرراتی است که باید در این بستر تصحیح و تکمیل شوند.

■ بازطراحی و بازآفرینی ساختار اجتماعی کشور و مشارکت اجتماعی

اساساً تا زمانی که جامعه و بخش مردمی کشور جایگاهی در ساختارهای رسمی کشور ندارند؛ ایجاد بستر، تأمین زیرساخت‌ها و اصلاح فرایندها بلاوجه و بی‌مورد است. بخش مردمی هیچ نماینده‌ای در نظام تصمیم‌گیری اعم از کمیسیون‌های تخصصی مجلس،^{۱۱} مراجع شبه‌قضایی،^{۱۲} کمیسیون‌های تخصصی دولت، شوراهای ملی^{۱۳} و محلی^{۱۴} کشور ندارند. با وجود چندتولی‌گری‌های ساختاری و موازی‌کاری‌های فراوان در حوزه مشارکت‌های اجتماعی، تنها نماینده حوزه اجتماعی در هیئت دولت، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است که خیل وسیع تکالیف و چالش‌های وی در حوزه شرکت‌داری، اشتغال و بازنشستگی، فقر و محرومیت‌زدایی، تأمین خدمات حمایتی، امدادی و بیمه‌ای، اجازه تأثیرگذاری در حوزه‌های سرمایه اجتماعی، مشارکت مردمی و نهادهای اجتماعی را به

1. Social Business (SB) & Social Enterprise (SE)
2. Company with Social Responsibility
3. Corporate Social Responsibility (CSR)
4. Venture Philanthropy (VP)
5. Social Bond (SB)
6. Crowd funding & Match funding
7. Public Social partnership (PSP)
8. Social Impact Contract
9. Social Impact Assessment (SIA)
10. Social Return on Investment (SROI)

۱۱. کمیسیون‌های تخصصی مجلس علاوه بر نمایندگان، ۳ کرسی برای نماینده دولت، دیوان محاسبات و مرکز پژوهش‌های مجلس دارد و براساس ماده‌های (۱۴۲) و (۱۴۳) آیین‌نامه داخلی مجلس امکان حضور اتاق بازرگانی، اتاق تعاون و سایر تشکل‌های صنفی و تخصصی وجود دارد.

۱۲. هیئت داور مالیاتی متشکل از نمایندگان اتاق و نهادهای اقتصادی است؛ اما تشکل‌های اجتماعی هیچ نقشی در این قبیل مراجع ندارند.

۱۳. شوراهای «عالی رفاه و تأمین اجتماعی کشور»، «اجتماعی کشور»، «عالی محیط زیست»، «عالی انقلاب فرهنگی»، «عالی امنیت ملی» و ...

۱۴. شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان.

۱۵. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، وزارت ورزش و جوانان در سطح (اداره کل)، سازمان امور اجتماعی و سازمان محیط زیست نیز در سطح هم‌تراز (اداره کل)، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سازمان بهزیستی و نیز در سطح هم‌تراز (اداره).

۱۶. اتاق ایران و اتاق تعاون.

۱۷. وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت راه و شهرسازی، سازمان برنامه و بودجه کل کشور، بانک مرکزی و ...



و حکمرانی مشارکتی»، «اصول مشارکت اجتماعی»، شناخت «سطوح، عرصه‌ها، نهادها و ابزارهای مشارکت اجتماعی»، «قوانین و مقررات مرتبط با تأسیس و فعالیت تشکلهای اعم از قوانین مرتبط با شفافیت، پول‌شویی، مالیاتی و جرائم سیاسی و رایانه‌ای» اهم موضوعاتی که عموم مردم، ارکان و اعضای تشکلهای و مدیران و کارشناسان دستگاه‌های دولتی باید به آنها مسلح و مسلط باشند.

■ ایجاد بستر تأثیرگذاری و روایتگری نهادهای مردمی در سطح بین‌المللی

استفاده از ظرفیت تشکلهای مؤثر و کارآمد در زمینه انتشار و تزریق رویکردها و اقدامات ایران در کشورهای دوست مانند یمن، فلسطین، لبنان، عراق، ترکیه، مالزی، پاکستان، افغانستان، ترکمنستان، روسیه، سوریه و کشورهای که بخشی از مردم آنها استعداد همراهی با فرهنگ مقاومت و استقلال در برابر استعمار را دارند از قبیل: ایرلند، سوئیس، مصر، اردن، ایتالیا، کانادا، انگلستان و فرانسه به‌منظور اخذ مزیت رقابتی در عرصه اجتماعی ایران و کمک به دیپلماسی عمومی کشور [۳].

۳-۵. پیشنهادهایی برای بازه زمانی کوتاه‌مدت

■ ایجاد جایگاه مشورتی برای تشکلهای تخصصی و تسهیل فرایندهای تصمیم‌سازی و نظارتی برای آنها

تا زمانی که ساختار کلان حوزه اجتماعی اصلاح و بازآفرینی شود و تشکیلات توانمند و شایسته‌ای این حوزه را تصدی کنند؛ لازم است که جایگاهی برای حضور تشکلهای اجتماعی و نهادهای مردمی در ساختارهای تصمیم‌گیرنده و اجرایی کشور (حتی بدون حق رأی و حتی بدون تجهیزات و ساختمان) ایجاد شود که تعامل این نهاد با دولت نه‌تنها قطع نشود؛ بلکه همکاری آنها نیز به سطح راهبردی ارتقا یابد و از این طریق بستر نهادی مناسبی برای ایجاد مفاهیم سازنده بین جامعه و حاکمیت فراهم آید.

■ بسترسازی مناسب به‌منظور جذب و ساماندهی نیروهای داوطلب مردمی

در جریان جنگ تحمیلی ۱۲روزه، شاهد جلوه‌ای پررنگ از حضور فعال و فداکارانه مردم در عرصه‌های مختلف بودیم؛ حضوری که به‌خوبی نشان داد روحیه کار داوطلبانه در میان اقشار گوناگون جامعه همچنان زنده، پویا و ریشه‌دار است.

نیز سابقه‌ای چندصدساله دارند. تشکلهای مردم‌نهاد، گروه‌های جهادی، هیئت‌های مذهبی، مراکز نیکوکاری و شبکه‌های اجتماع‌محور و تسهیلگران اجتماعی نیز به‌عنوان معاصرین این حوزه در کشور فعالیت‌های اجتماعی مهم و مؤثری دارند. اما به هر دلیل و بهانه‌ای این نهادها جزیره‌ای و متمایز از دیگری در عرصه اجتماعی کشور فعالیت داشتند. موازی‌کاری‌های بسیار زیاد و گاهی تعارضات و تقابلهایی میان آنها بروز می‌کند. این آسیب‌ها منجر به ایجاد اینرسی در حوزه اجتماعی کشور و از دست رفتن فرصت هم‌افزایی در این عرصه شده است. جنگ تحمیلی ۱۲روزه در برخی از نقاط کشور (از جمله تهران) نشان داد که هم‌جواری، هم‌کلامی، هم‌زیستی و همکاری میان آنها برکات و اثرات بسیار زیادی به‌همراه دارد که این نقش اصلی دولت «کارگردان» است که با «هدایت، حمایت و نظارت» خود بستر این امر مبارک را فراهم سازد.

■ متشکل کردن مردم و شبکه‌سازی تشکلهای

عموم مردم در دوره جنگ تحمیلی ۱۲روزه نشان دادند که همچنان روح کار داوطلبی در جامعه زنده و پویاست. چنانچه متولیان امر به‌سرعت و البته به‌دقت و صحت و بدون مداخله ناشیانه در تأسیس و اداره تشکل به این حوزه ورود کنند، می‌توانند این داوطلبین را در قالب نهادهای مردمی متشکل و هم‌افزا کنند.

ازسوی دیگر، تشکلهای اجتماعی موجود نیز با هدایت و حمایت دولت می‌توانند به شبکه‌هایی بزرگ و تخصصی تبدیل شوند. ایجاد شبکه‌های تخصصی از تشکلهای (مانند شبکه سراسری تشکلهای محیط زیست) می‌تواند اثرگذاری تشکلهای مزبور را در هر سه ساحت «تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری»، «نظارت و مطالبه‌گری» و «اجرا و تأمین» در عرصه اجتماعی کشور دوچندان کند.

■ آموزش و بالنده‌سازی دولت و جامعه

عموم مردم، ارکان و اعضای تشکلهای و همچنین مدیران و کارشناسان دولتی برای احیای سرمایه و مشارکت اجتماعی در کشور به آگاهی، دانش و مهارت‌های بسیار زیادی نیاز دارند. حفظ وضع موجود نه‌تنها این هدف را محقق نمی‌کند؛ بلکه فرصت‌های گران‌قیمت حاصله از جنگ تحمیلی ۱۲روزه را نیز از بین خواهد برد.

آگاهی درخصوص «تشکل و کار تشکیلاتی»، دانش «حکمرانی

در صورتی که رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب، صدا و سیما، مجازی و حقیقی، فرصت حضور این تشکل‌ها را فراهم کنند بهترین و درست‌ترین روایت‌ها از جنایات رژیم صهیونی منتشر خواهد شد.

■ تقویت و تسهیل روایتگری و کنشگری بین‌المللی
عرصه کنشگری تشکل‌ها در سطح بین‌الملل به دلایل متعددی از جمله بی‌اعتمادی، بی‌برنامگی و کم‌توجهی به اهمیت این موضوع از دسترسی دیپلماسی عمومی کشور خارج بوده است. جایی که تشکل‌های دارای مقام مشورتی ما در سازمان ملل می‌توانند در موضوعات تخصصی و اهداف حقوق بشری به گزارشگران و کمیته‌های ویژه سازمان ملل در نیویورک و سازمان حقوق بشر در ژنو، گزارش‌های خسارات و جنایات آنها را ارسال کنند. از رژیم صهیونی بابت نقض معاهدات بین‌المللی مانند منع اشاعه و حفظ محیط زیست و مقام کودک و حق بر آموزش و ... شکایت کنند. همچنین این تشکل‌ها می‌توانند کریدورها و لابی‌های ساختمان سازمان ملل متحد و سایر نهادهای بین‌المللی را به تالار جنایات رژیم تبدیل نمایند و در پنل‌های تخصصی اکوسوک ۱ سخنرانی و روایتگری از واقعیت‌ها داشته باشند؛ این فرصت در اختیار تشکل‌های پرتعداد و پر جنب و جوش کشورهای معاند و متخاصم جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.

این مشارکت مردمی خودجوش، نشان‌دهنده ظرفیت عظیم اجتماعی برای ایفای نقش در شرایط بحرانی و حمایت از منافع ملی است. باین حال، برای آنکه این سرمایه اجتماعی ارزشمند به شکل هدفمند، اثربخش و ماندگار به کار گرفته شود، ضروری است که تشکل‌های مردمی فعال در هر حوزه، با رویکردی هوشمندانه، دقیق و بدون مداخله‌های شتاب‌زده و ناکارآمد، زمینه‌ساز ساماندهی و جذب این نیروهای داوطلب شوند. لازم به ذکر است؛ بسیاری از مسائل محله امکان جمع‌سپاری را دارند و به خصوص در شرایط جنگی که نیروهای داوطلب فراوانی اعلام آمادگی برای فعالیت می‌کنند، شرایط مساعدی برای تشکل‌های اجتماعی فراهم می‌شود تا بستر را برای جذب و فعالیت این نیروها فراهم کنند.

■ تسهیل فرایند و امکان دسترسی تشکل‌های مؤثر و کارآمد به رسانه‌های جریان اصلی

کودکان، سالمندان، بیماران اوتیستیک، افراد دارای معلولیت‌های ذهنی و روانی، بیماران خاص و صعب‌العلاج و بسیاری از اقشار خاص و همچنین کارگران ساعتی و پیمانی و کار معین، بیشترین تأثیرها و خسارات را از جنگ تحمیلی داشته‌اند. زمان روایتگری تشکل‌های اجتماعی مرتبط با این موضوعات و افشای پروپاگاندا و دروغ‌پراکنی‌های رسانه‌های معاند و متخاصم فارسی و انگلیسی‌زبان رسیده است.

منابع و مآخذ

[1] Tortajada, C., Asia and the pacific policy studies. 1990. 3.

[۲] شیخی، سینا و حسام عزت‌آبادی‌پور. ترسیم و آسیب‌شناسی وضعیت موجود تشکل‌های مردم‌نهاد، ۱۴۰۰، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره مسلسل ۱۷۸۹۲.

[3] <https://irna.ir/xjTSSz>.

گزیده سیاستی

عملکرد تحسین بر انگیز تشکل های اجتماعی در جنگ ۱۲ روزه ضرورت ایجاد بستر قانونی برای فعالیت تشکل ها و تسهیل مسیر شبکه سازی آنها را ضروری می سازد.



مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، رو بروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc.majles.ir